

کار به جای زندان

دکتر ابوالفتح خالقی*

چکیده: در راهبرد هر نظام سیاسی، عدالت کیفری محور کلیدی تنظیم سیاست جنایی است. مهم‌ترین رکن سیاست جنایی؛ وضع مجازات و اعمال و اجرای کیفر است. یکی از شناخته شده‌ترین مجازات‌های رایج در این نظام؛ کیفر زندان می‌باشد که از دیرباز به عنوان نماد حقوق کیفری در سراسر جهان شناخته شده است. گرچه این ضمانت اجرا در قیاس با مجازات‌های بدنی سابقه چندانی ندارد، ولی به دلیل استفاده نامناسب از آن؛ فرسوده و فرتوت شده؛ به نحوی که حرکت دستگاه عدالت کیفری را کند کرده و تحرک مطلوب را از آن گرفته است. امروزه به دلایل متعدد از جمله تشدید نرخ تکرار جرم، ایجاد اختلال شدید در روابط شغلی، اجتماعی، خانوادگی و عاطفی زندانی و وابستگان او؛ تحمیل هزینه فزاینده ساخت، نگهداری و اداره آن بر بودجه عمومی؛ کارایی مورد انتظار را از دست داده و در تأمین اهداف حقوق کیفری عاجز و ناتوان به نظر می‌رسد. تنها دست‌آورد قابل توجه آن، به نگهداری مجرمان و دور کردن محدود آنها از جامعه؛ منحصر شده است.

در وضعیت فعلی که حذف کیفر زندان از نظام قضایی؛ نه به مصلحت است و نه ممکن؛ یافتن جایگزین و راهکاری که به کنترل و مهار بزهکاری منجر شود، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. انجام کار و خدمت بی‌مزد به نفع عامه؛ یکی از مناسب‌ترین شیوه‌های جایگزین است. در جرایم سبک و در خصوص مجرمان غیر خطرناک، الزام به انجام کار و خدمت همگانی به عنوان مجازات اصلی، کارآیی مطلوبی خواهد داشت. انجام کار و خدمت عمومی، بهره‌کشی یا برده‌گی نیست و نمی‌تواند از مصادیق کار اجباری محسوب شود. کار کردن در مؤسسات و نهادهای عمومی یا

* استادیار و مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم.



دولتی، موجب تقویت احساس نوع دوستی شده و کار کردن در کنار افراد سالم جامعه؛ محکوم علیه را به تجربیات جدید مجرمانه مجهز نخواهد ساخت. در عین حالی که جامعه از منافع کار و خدمت بزهکار بهره مند می شود؛ فرصت های ارتکاب جرم نیز از او سلب می گردد. کارکرد صحیح انجام خدمات عمومی، نیازمند بسترسازی به ویژه در بعد اجرا، نظارت و مراقبت است.

کلید واژه ها: خدمات، عمومی، کار، جایگزین، زندان، کار اجباری، مجازات

مقدمه

بزهکاری؛ محصول زندگی اجتماعی انسان است. جامعه ای وجود ندارد که مصون از ارتکاب جرم باشد. مهار بزهکاری، کنترل و مقابله با آن وظایف و مسئولیت های اساسی متولیان جامعه است. آنچه پیوسته ذهن سیاستگذاران جامعه را به خود مشغول ساخته، شیوه، روش و نحوه مقابله با بزهکاری است. کسی شک ندارد که باید با جنایتکاری مقابله شود؛ آنچه محل تردید بوده و جای تأمل دارد، یافتن راهکار مناسب در پاسخ به عملکرد مجرمان است. دستیابی به راه حل و تدبیری که از توان بازدارندگی کافی برخوردار باشد و بتواند از بازگشت مجدد بزهکار به حوزه ارتکاب جرم ممانعت نماید؛ از اهداف کلان هر نظام قضایی شمرده می شود.

تاریخ حقوق کیفری گوه آن است که نخستین تدبیر در قلمرو مجازات ها، وضع تنبیهات و مجازات های بدنی بوده است. شلاق زدن، قطع عضو نظیر بریدن دست، پا، گوش و یا کور کردن چشم، سوزاندن و داغ کردن از رایج ترین مجازات های این دوره به شمار می آمد^[۱]. به تدریج مجازات های بدنی با انتقادات مصلحان اجتماعی مواجه شد^[۲]. در اروپا جنبش های اصلاح طلبانه به رهبری آزادیخواهانی از قبیل منتسکیو، ولتر و بکاریا شکل گرفت. خواست اساسی رهبران و طرفدارانشان لغو شکنجه و مجازات های شدید بدنی بود^[۳]. هر چند این خواسته تاکنون نیز به نحو کامل تحقق پیدا نکرده است^[۴] ولی نهضت الغای مجازات های بدنی سبب شد تا سیاست کیفری نوینی بر محوریت زندان پایه ریزی گردد. این سیاست به سرعت رشد پیدا کرد به طوری که مجازات سالب آزادی به نماد کیفر تبدیل شد. امروز ممکن است از زندان هایمان شرم داشته باشیم ولی سده نوزدهم از اینکه دژه های مستحکمی در اطراف و گاه در مرکز شهرها می ساخته به خود می بالیده است. ساخت زندان به جای چوبه دار، مسرت بخش بوده است^[۵].

به کارگیری نامناسب؛ استفاده افراطی و اجرای ناقص رژیم زندان؛ موجب گردید تا نارسائی و

ناتوانی این ضمانت اجرا در تأمین اهداف حقوق کیفری، خیلی زود آشکار شود. به همین دلیل نهضت زندان‌زدایی و اندیشه‌ی یافتن قائم‌مقام‌های این کیفر در جهت زدودن آثار کاملاً روشن این شکست؛ بر محوریت مجازات‌های اجتماعی ظاهر گشت. یکی از مهم‌ترین مصادیق مجازات‌های اجتماعی؛ انجام خدمات عمومی و یا کار بدون مزد به نفع جامعه بود. در اجرای این مجازات؛ به جای اعزام محکوم به مراکز نگهداری؛ او موظف می‌گردد تا میزان معینی کار و خدمت را در قبال بزه ارتكابی؛ به سود جامعه انجام دهد.

فصل نخست: عوامل مؤثر بر ظهور و رشد انجام خدمات عمومی

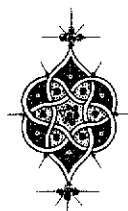
۱- تئوری کنترل و نظارت بر جرم

در دهه‌های نخست قرن بیستم زمانی که علوم جرم‌شناختی در آغاز شکل‌گیری علمی خود بود، عده‌ای تصور می‌کردند کلید افسانه حل‌نشدنی رفتار مجرمانه را یافته‌اند. نظیر آنچه که داروین زیست‌شناس مشهور انگلیسی در تئوری تکامل حیات کشف کرده بود^[۶]. در پناه نو‌سیاست جنایی جدیدی شکل گرفت که اساس آن بر پایه نظریه اصلاح و درمان بزهکاران بود. این تئوری تأکید داشت برای پیشگیری از تکرار جرم برنامه‌های بازپروری عمدتاً در محیط‌های بسته زندان باید نسبت به بزهکاران اعمال گردد. این سیاست با رویکرد تغییر رفتار مجرمان و الزام آنها به اصلاح عملکردشان تنظیم شده بود. در این نگاه، مجرمان افرادی بیمار تلقی می‌شدند. بیمارانی که باید تحت درمان قرار گیرند. جرم، بیماری و مجرم بیمار، محسوب می‌شد. مجازات، دارویی شفابخش بود که بزهکاری را درمان می‌کرد^[۷].

تدابیر درمانی چیزی جز برنامه‌های اصلاحی و اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده نبود. بر اساس این تئوری بزهکاران طبقه‌بندی شدند و وضعیت یا حالت خطرناک وارد قلمرو حقوق جزا و جرم‌شناسی گردید^[۸]. مجرمان (بیماران، از دیدگاه این مکتب) به دلیل مشکلات رفتاری باید تحت درمان قرار می‌گرفتند. این مکتب تأکید داشت که برنامه‌های پیشگیری از تکرار جرم، (درمان) عمدتاً از طریق اعمال تدابیر اصلاحی و درمانی در محیط‌های بسته زندان صورت پذیرد. این رویکرد به تدریج موجب رشد کاربرد زندان شد.

افزایش موارد توسل به کیفر زندان، امید به کاهش نرخ تکرار جرم را ایجاد کرد و انتظار





می‌رفت تا از این طریق رشد بزهکاری متوقف شود. اما براساس ارزیابی‌هایی که از نتایج پژوهش‌ها به عمل آمد، موفقیت قابل توجهی را نشان نداد. این ارزیابی‌ها آنقدر ناامیدکننده بود که از آن باعنوان تأثیر صفر برنامه‌های زندان نام برده شد^{۱۹}. آقای رابینسون معتقد است که برنامه‌های اعمال شده در زندان جز در موارد اندکی، در بسیاری از موارد کاملاً با شکست روبه‌رو شده است^{۱۱}. نتایج کاملاً ضعیف به‌ویژه در مورد حبس‌های کوتاه‌مدت؛ سبب شد تا اعتبار و درستی نظریه مزبور مورد تردید جدی قرار گیرد. آقای کوئیل اندریو در این خصوص اظهار می‌دارد، تصور اینکه گروهی با توسل به زور، رفتار گروهی دیگر را تغییر دهند فرضی خودخواهانه تلقی می‌شود. زیرا در این فرضیه، اراده آزاد دیگران نادیده گرفته می‌شود. اینکه تا چه حد، شخصی پس از آزادی مرتکب جرم جدیدی می‌شود، به برنامه‌های زندان ارتباط ندارد. بلکه کاملاً وابسته به شرایط بعد از خروج از زندان می‌باشد. باید به خاطر داشته باشیم که برنامه‌های اصلاحی و درمانی پوشش تنگ و اجباری نیست که شخص ناچار به پوشیدن آن است. بلکه لباس و کسوت مناسبی است که شخص آن را آزادانه می‌پوشد از این‌رو اندیشه تغییر اجباری رفتار در زندان کاری مشکل و نشدنی است^{۱۱}.

نتیجه منطقی شکست برنامه‌های اصلاح و درمان در زندان، کاربرد محدود و استفاده کمتر از این شیوه بود. تلقی بیماری از بزهکاری در بسیاری از موارد، فرضی غیرواقع‌بینانه بود. سارق بانک را چگونه می‌توان بیمار دانست. زیر سرقت از بانک نشانه نقص جسمانی و یا اختلال روانی بزهکار نیست. بلکه سرقت از بانک مستلزم داشتن شرایط کاملاً سالم و فوق‌العاده جسمانی و روانی است. عیب سارق اختلال روانی یا بدنی او نیست. بلکه تجاوز او به حقوق دیگران است^{۱۲}. تردید در کارآیی برنامه‌های اصلاحی موجب بروز تردید در کیفر زندان شد که وسیله اعمال و اجرای این برنامه‌ها به حساب می‌آمد. به این ترتیب اعتبار نظریه اصلاح و درمان از طریق زندان اعتبار علمی خود را از دست داد^{۱۳} و تئوری جدیدی با نام کنترل جرم شکل گرفت. در این روش تلاش بر آن است تا به جای آنکه مجرم از جامعه دور شود و در مراکز بسته به شکل منفعل نگهداری گردد؛ با حضور فعال او در جامعه، تحت نظارت و مراقبت منطقی قرار داده شود. نظارت بر رفتار و عملکرد او در اجتماع صورت پذیرد. مراقبت از رفتار وی با هدف ممانعت از ارتکاب جرایم بعدی است. فرصت ارتکاب جرم؛ اوقاتی است که شخص از کار روزانه فارغ شده است. در مورد بیکاران این زمان به تمامی اوقات آنها تسری پیدا می‌کند. از آنجا که بزهکاران از فرصت‌های آزاد و بیکار



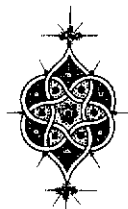
خود برای انجام اعمال بزهکارانه استفاده می‌کنند؛ بنابراین بهترین وسیله برای مقابله با آنها سلب فرصت‌های آزاد آنان است. از این رو مدیریت مناسب اوقات فراغت بزهکاران، روشی است که در کاهش نرخ ارتکاب جرم مؤثر خواهد بود.

یکی از اهداف مجازات؛ پیشگیری از تکرار جرم است. تئوری کنترل جرم بستر لازم برای تحقق این هدف را فراهم می‌سازد. سلب فرصت ارتکاب جرم از طریق توسل به کار شیوه‌ای مناسب و مطلوب است. بزهکارانی که اشتغال معینی دارند؛ محکوم می‌شوند تا در تعطیلات کاری و سایر بزهکاران در اوقات بیکاری؛ در مؤسسات و نهادهای عمومی به‌عنوان مجازات به کار و ارائه خدمت به جامعه پردازند. حضور در محل کار و اشتغال در ایام محکومیت ضمن ادای دین به جامعه؛ امکان نظارت و کنترل رفتار آنها با هدف جلوگیری از ارتکاب جرایم بعدی را آسان‌تر می‌سازد.

۲- اقتصادی کردن نظام عدالت کیفری

کنترل بزهکاری و مبارزه با آن نیازمند صرف هزینه‌های مالی است. هر چند از منظر اخلاقی، سالم‌سازی نظام اجتماعی نمی‌تواند با ملاحظات مالی و اقتصادی سنجیده شود ولی بی‌توجهی به موضوع هزینه فایده نیز غیرممکن است. امروزه در کلیه بخش‌های اجتماعی از جمله مقابله با جرم، ملاحظات اقتصادی به شدت رو به افزایش است. تأمین بار مالی دستگاه عدالت کیفری از دغدغه‌های نظام قضایی هر دولتی است. سهم بزرگی از بودجه دولت‌ها مصروف اعمال ضمانت اجرای کیفری می‌شود. در بین ضمانت‌اجراهای کیفری پرهزینه‌ترین و گران‌ترین ضمانت‌اجرا، زندان می‌باشد. مخارج ثابت زندان شامل: طراحی، ساخت و تجهیز آن و هزینه جاری شامل: نگهداری، مراقبت، اداره، تأمین خدمات عمومی (برق، گاز، آب) و هزینه زندگی (پوشاک، غذا، بهداشت، درمان، آموزش و فرهنگ) می‌باشد. این هزینه‌ها اعم از ثابت و جاری با توجه به نرخ تورم پیوسته در حال افزایش است.

در کشور ما آمار قابل استنادی در مورد مجموع هزینه نگهداری زندانیان ارائه نشده است. اما در برخی کشورها چنین آمارهایی وجود دارد. در ایالات متحده هزینه نگهداری زندانیان در شروع سال ۲۰۰۰ به رقم سرسام‌آور چهل میلیارد دلار رسید. در حالی که این مبلغ در سال ۱۹۹۰ یازده و نیم میلیارد دلار بود. هزینه سالانه هر زندانی رقم ۱۵ هزار و ۵۱۳ دلار برآورد شده است^[۱۴]. در انگلستان از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۶ تعداد ۲۶ فقره زندان جدید ساخته شده است. مبلغ صرف شده



برای ساخت این زندان‌ها نزدیک به ۱ میلیارد و ۲۸۰ میلیون پوند بوده است. هزینه سالانه اداره این زندان‌ها به نرخ سال ۲۰۰۶ مبلغ ۲ میلیارد پوند برآورد شده است.^[۱۵] در کشور سوئد هزینه سالانه هر زندانی معادل دو هزار کرون^[۱۶] در کشور کانادا مبلغ ۴۳ هزار دلار کانادا که معادل چهار برابر هزینه تحصیلی در آن کشور^[۱۷] در روسیه به موجب برآورد کمیسیون امنیت دوما، هزینه تغذیه روزانه هر زندانی ۴/۵ تا ۵ روبل است.^[۱۸]

در تمام کشورها هزینه‌های زندان از طریق بودجه عمومی تأمین می‌شود و در اغلب آنها، منبع اصلی تأمین بودجه عمومی، مالیاتی است که به‌وسیله شهروندان پرداخت می‌گردد. شهروندان یا به‌عبارت دیگر قربانیانی که ممکن است مستقیماً نیز هزینه جرم را پرداخت کرده باشند دوباره هزینه زندگی و نگهداری مجرمان را خواهند پرداخت. به این ترتیب بزه‌دیدگان، علاوه بر تحمل زیان‌های مستقیم جرم، عملاً مخارج زندگی بزه‌کاران را نیز بر عهده دارند.

یکی از طرق مؤثر در کاستن از خسارات و هزینه‌های ناشی از جرم، استفاده کمتر از گران‌ترین مجازات (زندان) است. کاستن از موارد توسل به زندان، (زندان‌زدایی) مستلزم وجود ضمانت اجراهای جایگزین است. جایگزینی که هزینه اجرا و اعمال آن از منظر مالی و اقتصادی به مراتب کمتر از زندان باشد. انجام خدمات عمومی از جمله این ضمانت اجراهاست. خدماتی که توسط بزه‌کار به انجام می‌رسد، منفعت اقتصادی و صرفه و سود مالی به دنبال دارد. سود حاصل از خدمات انجام شده توسط محکوم‌علیه، به جامعه بازمی‌گردد. جامعه که متشکل از شهروندان است، در مجموع از این خدمات بهره‌مند می‌شود. هر چه میزان توسل به این مجازات افزایش پیدا کند، مقدار سودی که به عموم جامعه باز می‌گردد به مراتب بیشتر خواهد شد. به‌عنوان نمونه در کشور انگلستان تا سال ۲۰۰۶ حدود پنج میلیون ساعت کار و خدمات عمومی در قالب مجازات انجام شده است و براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، میزان کار و خدمات مورد انتظار تا سال ۲۰۱۱ ده میلیون ساعت پیشینی شده است.^[۱۹] انجام چندین میلیون ساعت کار بدون هزینه دستمزد، منعفت بزرگی را نصیب جامعه می‌کند که در اقتصادی بودن آن جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد.

۳- حفظ کرامت انسانی در نظام مجازات‌ها

تغییر ساختار ضمانت اجراهای کیفری، در طول زمان؛ بر اساس اهداف و اصول مجازات‌ها و

نیازهای اجتماعی جوامع انسانی صورت گرفته است. در وضع هر مجازات جدید علاوه بر قدرت بازدارندگی، پیشگیری از تکرار جرم، ایجاد رنج و تعب منطقی و مفید و جلب رضایت خاطر قربانی، نباید ارزش والای انسان و کرامت او فراموش شود. از وضع مجازات‌های خشن و تحقیرآمیز باید اجتناب شود. در راستای هماهنگی با اسناد حقوق بشری از جمله ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۶ کنوانسیون ضد شکنجه و مجازات غیرانسانی^[۱۳۰] همواره در تنظیم سیاست جنایی ملی؛ مجازات‌های وهن‌آمیز و غیرانسانی باید طرد شوند. از مجموع اسناد مزبور چنین استنباط می‌شود که؛ منظور از مجازات‌های خشن و غیرانسانی، تحمیل هرگونه درد و رنج بیهوده بر مجرم و اعمال رفتارهایی است که با کرامت و ارزش والای انسانی مغایرت داشته باشد.

تجربه زندان عزت‌نفس بزهکار را کاهش می‌دهد. هر قدر این تجربه بیشتر باشد، تصویر منفی زندان از خویشتن نیز؛ بیشتر خواهد بود. احساس عدم عزت‌نفس به مرور به احساس ضداجتماعی تبدیل می‌گردد. زندگی در محیط زندان که محل تجمع خلافکاران است، پیوسته حس بد بودن و کم‌ارزش بودن را به زندانی القاء می‌کند. هر چند محیط زندان دارای شرایط مناسب باشد^[۱۳۱]. تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان، تلاش برای ایجاد شرایط مناسب و انسانی نمی‌تواند مانع جدی در رفع آثار نامطلوب زندان داشته باشد. یکی از مصادیق غیرانسانی بودن وضعیت زندان‌ها، اذیت و آزار جنسی است. به‌عنوان نمونه نتایج تحقیق که در این خصوص در ایالات متحده انجام شده است، نشان می‌دهد که بسیاری از زندانیان از این موضوع رنج می‌برند. اذیت و آزار جنسی عمدتاً شامل به‌کار بردن الفاظ رکیک، عبارات مستهجن، اشارات و علایم خلاف اخلاق، جملات و کلمات مشغرم بر امور جنسی، دعوت به رفتار جنسی، تهدید به اعمال جنسی و آزار جنسی است^[۱۳۲]. از دیگر موارد نامناسب بودن زندان‌ها، فراهم ساختن محیط مساعد جهت انتقال تجربیات مجرمانه به یکدیگر است. زندان به مرکز آموزش رفتارهای جنایی تبدیل شده است. زندانیانی که به تجربه جدید نقض ارزش‌های اجتماعی در زندان مجهز شده‌اند، در ارتکاب جرایم بعدی از آن استفاده خواهند کرد^[۱۳۳].

گسست روابط عاطفی، احساسی و خانوادگی شخص زندانی، از دیگر نتایج غیرانسانی زندان‌هاست. دوری و عدم ارتباط صحیح و مناسب با اعضای خانواده، می‌تواند آثار نامطلوب روانی و عاطفی بر زندانی داشته باشد. همسر، فرزندان و یا پدر و مادر شخص زندانی هم از لحاظ





عاطفی - احساسی شدیداً متأثر خواهند شد. زندان هویت محکوم را از بین می‌برد. اختلال شدید در شخصیت زندانی ایجاد می‌کند. افزایش ظرفیت خشونت محکومان را موجب می‌گردد^[۲۴]. این آثار نامطلوب سبب شده است تا از زندان به عنوان مجازات خشن و ناعادلانه نام برده شود. «خشن‌ترین مجازات، مجازات زندان است و حتی از صد تعزیر نیز ظالمانه تر است. زندان جرم‌زا است. برخلاف آنچه که در دنیا رایج است، در نظام کیفری اسلام روی حبس، به‌عنوان مجازات تکیه نشده است. چرا که بدترین اثر را روی زندانی می‌گذارد و آثار سوء اجتماعی غیرقابل جبران داشته و هیچ مناسبتی با جرم ندارد»^[۲۵]. در اسلام منشأ مشروعیت کیفر؛ اراده الهی است و این اراده بر بنیاد مصالح و مفاسد نهاده شده است. بنابراین هر گونه حکمی بر مدار جلب خیر و دفع شرّ است. منظور از حکم؛ اعمال قدرت، اراده و تحکم نیست^[۲۶]! از این رو حتی اگر نتوانیم خلاف شرعیت بودن کیفر زندان را، به لحاظ مفسده‌زا بودن آن با قاطعیت بپذیریم؛ اما به حکم عقل و به دلیل داشتن مفسده فراوان در خصوص بسیاری از مجرمان (علی‌رغم داشتن منافع اندک)؛ می‌توان پذیرفت که زندان در حال حاضر، وسیله‌ای نیست که بتواند اهداف اساسی مجازات‌ها را برآورد سازد. به این ترتیب جستجوی جایگزین مناسب برای این کیفر هماهنگ با تعهدات ملی و بین‌المللی؛ امری کاملاً بدیهی و اجتناب‌ناپذیر است.

فصل دوم: پیشینه تاریخی و سوابق تقنینی خدمات عمومی

۱- در اعصار گذشته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ملازم ساختن بزهکاران و محکومان به انجام کار و خدمت‌رسانی به نفع همگان، گرچه در پرتو دیدگاه‌های کیفرشناختی جدید تولد دوباره پیدا کرده است؛ اما سابقه اعمال این ضمانت اجرا به زمان‌های خیلی دور باز می‌گردد و از این جهت دارای پیشینه تاریخی بسیار طولانی است. هر چند از منظر تاریخی، به دلیل عدم وجود مدارک و مستندات قابل اعتناء و متقن، شروع موارد توسل به این مجازات و رشد مواد کاربرد آن، چندان روشن به نظر نمی‌رسد؛ اما شواهدی در دست است که نشان می‌دهد، در عصر ایران باستان (تمدن بابل)؛ دولتمردان از شیوه الزام محکومان به انجام خدمات عمومی به‌عنوان روشی برای جبران ضرر و زیان‌های وارده به قربانیان جرم، بهره می‌گرفتند. هم‌زمان با استفاده ایرانیان از این ضمانت اجرا، سایر اقوام؛ ملل و تمدن‌های باستانی نظیر



یونانیان نیز این روش در مجازات خلافکاران بهره می گرفتند^[۲۷]. اعمال این کیفر نباید با آنچه به نظام برده داری معروف است اشتباه می شود. در نظام برده داری، از اشخاص سلب حریت می شده است. صاحبان برده با سوء استفاده از آنها برای انجام کارهای سخت، طاقت فرسا و غیرمنصفانه در امورات شخصی خود؛ بهره می گرفتند. در حالی که انجام کارهای سخت، طاقت فرسا و غیرمنصفانه در امورات شخصی خود؛ بهره می گرفتند. در حالی که انجام خدمات همگانی به عنوان کیفر مقرر می شده و منافاتی با آزادی مجرمان نداشته است. برخلاف نظام برده داری، الزام به کار در پی ارتکاب جرم صورت می گرفته و مقصود اصلی از اعمال آن کیفر نیز؛ جلب منفعت عمومی و یا جبران خسارات وارده به بزه دیدگان بوده است.

بر اساس یافته های حاصل از مطالعات تاریخی، شواهدی در دست است که نشان می دهد در قرون وسطی نیز نوعی از این مجازات به کار گرفته می شده است. بر اساس اسناد و مدارک تاریخی؛ در اوایل قرن هفتم میلادی، در کشور انگلستان بزهکاران محکوم می شدند تا به ناوگان سلطنتی این کشور بیوندند. در ناوگان دریایی مجرمان وظیفه داشتند تا به عنوان کیفر به جاشویی بردازند و در شناورهای بزرگ به پارو زنی مشغول شوند. برخی از محکومان هم در قبال ارتکاب جرم، وادار می شدند تا به عنوان خدمتکار انجام وظیفه نمایند^[۲۸].

۲- در عصر جدید

اعمال شیوه های جدید انجام خدمات عمومی، به قرن بیستم میلادی باز می گردد. در دهه شصت این قرن، دادگاه های کیفری در ایالات متحده آمریکا از جمله دادگاه های ایالت آلاباما و ایالت کالیفرنیا شروع به استفاده از این مجازات کردند. در ابتدا کیفر انجام کار عام المنفعه در خصوص بانوان مجرمی اعمال می شد که قدرت و توان پرداخت جزای نقدی را نداشتند. سپس اعمال این ضمانت اجرا در مورد محکومانی که بنا به تشخیص دادگاه نباید به زندان فرستاده می شدند؛ به کار گرفته شد. در دهه هفتاد میلادی کاربرد این کیفر به قلمرو حقوق جزای کشورهای دیگر راه پیدا کرد. کشورهایی نظیر کانادا، انگلستان، استرالیا و نیوزلند از جمله کشورهایی بودند که این روش را به کار گرفتند^[۲۹].

در کشور انگلستان در سال ۱۹۷۲ مقرراتی با عنوان قانون عدالت کیفری به تصویب رسید. در این قانون برای نخستین بار انجام خدمات عمومی در مورد مجرمان بزرگسال مقرر گشت. اجرای



این مجازات؛ ابتدا در شش ناحیه به‌طور آزمایشی مورد استفاده قرار گرفت. با بررسی نتایج حاصله در مدت سه سال؛ سرانجام در سال ۱۹۷۵ در سراسر این کشور به مرحله اجرا در آمد. این مجازات در مدت زمان کوتاهی از اجرای آن، با استقبال قضات دادگاه‌ها روبه‌رو شد. در سال ۱۹۸۲ اعمال این مجازات به جوانان ۱۶ سال تسری داده شد. مقررات مربوط به این ضمانت اجرا در سال ۱۹۹۱ و سپس در سال ۲۰۰۰ مورد بازنگری قرار گرفت. آخرین اصلاحات به‌عمل آمده در این ضوابط که با افزایش سقف حداکثر ساعات کار همراه بود به سال ۲۰۰۳ باز می‌گردد که از سال ۲۰۰۵ قابلیت اجرا پیدا کرد^[۳۰]. عنوان این مجازات نیز در طی سال‌های مزبور متفاوت به‌کار رفته است. "Community Service Order-1972", "Community Punishment Order-2003" & "Unpaid Work - 2005"^[۳۱].

از دهه هشتم قرن بیستم میلادی، الزام به انجام خدمات عمومی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به جدیت مورد توجه قرار گرفت. نظام کیفری بسیار از کشورهای اروپایی در جهت کاستن از موارد توسل به کیفر سالب آزادی روش مزبور را پذیرفتند. نروژ در سال ۱۹۸۴ بلژیک در سال ۱۹۸۶ و پادشاهی هلند در سال ۱۹۸۶ و پادشاهی هلند در سال ۱۹۸۷ این شیوه را عملاً به‌کار بستند^[۳۲]. در کشور فرانسه از سال ۱۹۸۳ با عنوان کار عام‌المنفعه در حقوق کیفری پذیرفته شد. این مجازات در ردیف مجازات‌های جنحه‌ای به‌حساب می‌آید^[۳۳]. در کشور ایتالیا از سال ۱۹۷۹ به تدریج از این ضمانت اجرا بهره گرفته شد^[۳۴]. در کشور دانمارک از سال ۱۹۸۲ ابتدا به صورت آزمایشی در چند ناحیه و سپس در سراسر خاک آن به اجرا گذاشته شد. قانون مجازات ۱۹۹۲ مقررات اجرایی الزام به انجام خدمات عمومی را به تفصیل مقرر داشت^[۳۵].

در ایالات متحده آمریکا، از اوایل دهه هشتاد میلادی مقررات قانونی در مورد الزام محکومان به ارائه خدمات عمومی به تصویب رسید. از این زمان به بعد هر یک از ایالت‌ها به مرور از این روش برای مجازات بزهکاران به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری و پس از وضع مقررات خاص بهره گرفتند. تصویب مقررات ایالتی به نحوی مورد استقبال قرار گرفت که تا پیش از سال ۱۹۸۷ بیش از یک سوم از ایالت‌های این کشور دارای قوانین موضوعه در این مورد شدند. دولت فدرال نیز در همین سال الزام محکومان به انجام خدمات عمومی را به‌عنوان پیش‌شرط اعمال انواع آزادی‌های مشروط، مصوب و مقرر داشت^[۳۶].

امروزه در قوانین بسیاری از کشورها نظیر سوئد، روسیه، مولداوی، آلبانی، ارمنستان و... هم در



قالب جایگزین مجازات سالب آزادی و هم به عنوان پیش شرط اعمال آزادی مشروط، تعلیق مجازات، تعلیق مراقبتی و هم به شکل مجازات اصلی پیش‌بینی شده است.^[۳۷]

۳- سابقه در ایران

هر چند براساس یافته‌های حاصل از پژوهش‌های تاریخی، سابقه اعمال این کیفر به تمدن سرزمین ما باز می‌گردد؛ اما نظیر سایر موارد، در به‌کارگیری مجدد و علمی این مجازات، هنوز کشور ما در عرصه عمل توفیقات چندانی به دست نیاورده است. شروع مطالعات و کنکاش در این مورد؛ ابتدا در محافل علمی و دانشگاهی از منظر تئوریک شکل گرفت. ارزیابی شکل گرفت. ارزیابی نظام مجازات‌ها به‌ویژه کیفر سالب آزادی و یافتن شیوه‌های نو به عنوان جایگزین حبس، نقطه آغازین موضوع بود.

همزمان با نقد تئوریک کیفر زندان، به دلایل متعدد نظیر رشد جمعیت بالغ کشور، تصویب مقررات کیفری جدید با محوریت مجازات حبس، نابسامانی‌های اقتصادی، تورم، بیکاری و... بر جمعیت زندان‌های کشور به شدت افزوده شد به نحوی که هم اینک آمار زندانیان به بیش از ۱۵۰ هزار نفر رسیده است.^[۳۸] رشد تعداد زندانیان، فقدان فضای فیزیکی مناسب، هزینه فزاینده اداره آنها و... سبب شد تا مسئولان برای عبور از این بحران چاره‌جویی کنند. در نخستین گام؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی قضایی را به تصویب رساند. مجمع در سال ۱۳۸۱ در راستای سیاست‌گذاری کلان قضایی؛ مقرر داشت تا ساختار نظام قضایی کشور اصلاح شود. بند ۱۴ از مصوبه مجمع بر «بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان» تأکید داشت.^[۳۹]

همانگ با سیاست جامع ابلاغی از طرف مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ قوه قضاییه گام دوم را برداشت. این نهاد در تدوین اولین برنامه جامع توسعه قضایی، زمینه کاهش موارد استفاده از حبس و وضع مجازات‌های جایگزین را فراهم ساخت. در این برنامه که از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ به اجرا درآمد؛ تلاش‌هایی برای ایجاد اصلاحات در ساختار نظام قضایی کشور، صورت گرفت. اصلاحات نرم‌افزاری دستگاه قضایی؛ عمدتاً شامل توسعه استانداردها و شاخص‌های قضایی بود. از این‌رو تدوین لوایح قضایی در اولین مرحله در دستور کار قرار گرفت. لایحه پیشگیری از جرم؛ لایحه جرم‌زدایی (کاهش عناوین مجرمانه)؛ لایحه حمایت از کودکان؛ لایحه جرایم رایانه‌ای و



مشخصاً لایحه مجازات‌های اجتماعی تهیه و تدوین شد^[۴۰]. در لایحه اخیر برای نخستین بار؛ از انجام خدمات عمومی به‌عنوان مصدافی از موارد جایگزین حبس، نامبرده شد. کلیات این لایحه در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵؛ در مجلس به تصویب رسیده ولی تاکنون از تصویب نهایی نمایندگان نگذشته است^[۴۱].

سومین اقدام مربوط به تدابیر اتخاذی در برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. ماده ۱۳۰ از قانون مزبور به قوه قضاییه مأموریت می‌دهد تا لایحه جایگزین‌های مجازات حبس را به‌منظور بهره‌گیری از روش‌های نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه؛ تهیه و ارائه نماید^[۴۲]. چهارمین گام در این خصوص به برنامه دوم توسعه قضایی باز می‌گردد. در این برنامه که هماهنگ با برنامه چهارم و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور است؛ تلاش شده تا طرح جامع اصلاح و ارتقای نظام قضایی کشور تحقق یابد. افزایش مشارکت مردم و نهادهای مدنی در حوزه عدالت به مدد تدابیری نظیر: کاهش عنوان‌های مجرمانه؛ به حداقل رساندن استفاده از مداخله‌های کیفری؛ استفاده مناسب از ضمانات اجراهای مدنی؛ اداری و انضباطی و افزایش موارد جانشین‌های حبس؛ اجرایی شود. بدین منظور طرح تعدیل سیاست‌های کیفری نظام قضایی کشور که می‌بایست از طریق شناسایی جانشین‌های حبس و افزایش موارد کاربرد آن مورد ارزیابی قرار گیرد به معاونت قضایی سپرده شده است^[۴۳].

در لایحه موسوم به مجازات‌های اجتماعی، که به قوه مقننه ارائه گردید، صدور حکم به انجام خدمات عمومی در قالب مجازات اجتماعی؛ به دو صورت اجباری و اختیاری پیش‌بینی شده است. در جرایم عمدی که مجازات آن تا حداکثر ۶ ماه حبس تعیین شده است و همچنین در جرایم غیرعمدی تا ۲ سال حبس؛ حکم به مجازات اجتماعی برای دادگاه الزامی است. مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد (ماده ۲). در جرایم عمدی که حداکثر مجازات ۶ ماه تا ۲ سال زندان باشد؛ همچنین مجازات شلاق تعزیری؛ دادگاه جز در موارد استثناء شده اختیار اعمال مجازات اجتماعی را دارد. (ماده ۳). در مورد ۱۶ تا ۲۱ از لایحه مزبور شرایط صدور حکم؛ الزامات ناشی از آن؛ مؤسساتی که خدمات در آنها صورت می‌پذیرد؛ شرایط اعمال (سن، جنس، سلامت بدنی، میزان ساعات کار) و نحوه اجرای مجازات به دقت مشخص شده است.

فصل سوم: تعریف و رژیم حقوقی انجام خدمات عمومی

۱- تعریف خدمات عمومی

خدمات عمومی، از نظر واژگان ادبی، ترکیبی از دو کلمه خدمت و عموم است. خدمت در لغت به معنای وظیفه، کار، تعهد، و عموم به معنای همه، تمام و جامعه به کار برده شده است. بنابراین ترکیب خدمات عمومی به معنای کار و وظیفه‌ای است که به نفع تمامی اعضای جامعه (به‌عنوان کل) صورت می‌گیرد. در ادبیات حقوقی لاتین، برای خدمات عمومی تعابیر متفاوتی به کار برده شده است.

[Public Works] [Community Service] [Compulsory Work] [Unpaid Work]
[Community Service Order] [Unpaid Community Service Work]

در اصطلاح حقوقی؛ انجام خدمات عمومی، مجازاتی است که براساس آن دادگاه محکوم علیه را موظف می‌کند تا با نظارت و کنترل مأمور مراقب، ساعات مشخصی کار را در مدت زمان معین، بدون دریافت مزد به سود جامعه انجام دهد. در تعریف مذکور چند مؤلفه اساسی وجود دارد.

الف) محکوم علیه

منظور مجرمی است که پس از سیر تشریفات قانونی، مجرمیت وی نزد دادگاه صالح احراز شده باشد. بنابراین شامل متهم یا مظنون نمی‌باشد. شرطی که عموماً برای شخص محکوم در نظر گرفته شده است آن است که وی باید در مراحل رسیدگی و محاکمه در دادگاه حاضر باشد. از این رو بزهکاری که پرونده اتهامی او به‌طور غیابی در جریان رسیدگی قرار گیرد نمی‌تواند از تحمل این کیفر برخوردار شود. علت اساسی شرط حضور متهم در جریان رسیدگی (صرف نظر از لزوم اعلام رضایت) آن است که مجازات مزبور، نوعی ارفاق و تخفیف دادگاه نسبت به مجرم محسوب می‌شود و فقط بزهکاری که در دادگاه حاضر است؛ استحقاق آن را خواهد داشت.

ب) مؤسسات و نهادهای عمومی

منظور از مؤسسات عمومی، دستگاه‌های دولتی و سازمان‌هایی هستند که تصدی خدمات‌رسانی همگانی را بر عهده دارند و احتیاجات عامه را برآورده می‌سازند. محکوم علیه ملزم می‌گردد تا از طریق کارکردن در اینگونه سازمان‌ها، به جامعه خدمت‌رسانی کند. ماده ۳ قانون محاسبات





عمومی، هر واحد سازمانی که به موجب قانونی ایجاد و به وسیله دولت اداره می‌شود را مؤسسه عمومی نامیده است. مؤسسات عمومی وظیفه ارائه خدمات عمومی را بر عهده دارند. این واحدها ممکن است انتفاعی و یا غیرانتفاعی باشند. شرکت‌هایی آب، برق، گاز و تلفن؛ انتفاعی و سازمان‌هایی نظیر بهزیستی، صدا و سیما، راهنمایی و رانندگی؛ زندان غیرانتفاعی به حساب می‌آیند. امروزه برخی اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی نیز تأسیس شده‌اند که هدف اساسی از تشکیل آنها، خدمات‌رسانی عمومی است. به دلیل تشابه اهداف این گونه مؤسسات با نهادهای دولتی؛ آنها را برخی امتیازات حقوق عمومی برخوردارند^[۴۴]. مرتفع ساختن نیازهای اجتماعی گرچه از وظایف اساسی دولتهاست ولی هرگز محدود به دستگاه‌های دولتی نیست. ارزش‌های اخلاقی و انسانی حکم می‌کند که خدمات‌رسانی همگانی به وسیله هر یک از افراد جامعه و یا گروهی از آنها انجام شود. به سازمان، نهاد و یا انجمنی که چنین مسئولیتی را عهده‌دار می‌شود، مؤسسه عام‌المنفعه می‌گویند^[۴۵]. فعالیت این نوع مؤسسات غیرانتفاعی، خیرخواهانه و بشردوستانه است. انجمن‌های خیریه نظیر مراکز نگهداری سالمندان، مراکز آموزش علوم دینی؛ حمایت از بیماران خاص؛ ستاد پرداخت دیه، مراکز حمایت از اطفال یتیم و بی‌سرپرست از این دسته‌اند.

هر چند برخی از نهادهای عمومی، به موجب قانون ایجاد شده و تحت نظارت دولت قرار دارند ولی دولتی محسوب نمی‌شوند. اینچنین مؤسساتی به نهادهای عمومی غیردولتی معروفند سازمان‌هایی مانند هلال احمر و شهرداری‌ها از این قبیل هستند.

آنچه اهمیت دارد؛ توجه به این نکته است که خدمات ارائه شده از طریق مؤسسات و نهادهای دولتی یا غیردولتی به نفع جامعه باشد. از این‌رو محکوم‌علیه موظف می‌شود تا در یکی از آنها به کار و فعالیت مشغول گردد. ارگان‌های مزبور از طریق وضع آیین‌نامه معین و به دستگاه قضایی یا ادارات مراقبت و نظارت معرفی می‌شوند. برخی از این واحدها در کشور ما ممکن است شامل شهرداری‌ها، بیمارستان‌ها دولتی، مراکز درمانی خیریه، سازمان حفاظت محیط زیست، بهزیستی، سازمان اتوبوسرانی، اورژانس، سازمان‌های امدادی هلال احمر، آتش‌نشانی، جنگل‌بانی، گمرکات، زندان‌ها، راهداری، ورزشگاه‌ها، مراکز نگهداری سالمندان، مرکز مراقبت از کودکان بی‌سرپرست، آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای باشد.

الف) میزان ساعات کار

الزام ناشی از اصل قانونی بودن کیفر و قاعده تناسب واکنش اجتماعی با خطای ارتكابی؛ مقنن را وادار می‌کند تا میزان و مدت زمان اعمال مجازات را به دقت معین نماید. اما قانونگذار پیوسته با این پرسش اساسی روبروست که؛ کمترین و بیشترین مقدار هر کیفر را بر مبنای چه شاخص و معیاری مشخص کند. پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست. این مشکل درخصوص انجام خدمات عمومی به مراتب بیشتر نمود دارد. چند ساعت کار متناسب با ارتكاب چه بزه‌ی است؟

در برخی سیستم‌های کیفری برای پاسخ به این پرسش؛ ضابطه و ملاک خاصی را مقرر داشته‌اند. معیار مزبور بر پایه مجازات حبس بنا شده است. اما این ضوابط تناسب چندان با یکدیگر ندارند. به‌عنوان نمونه در کشور فنلاند، انجام یک ساعت کار و خدمت عمومی معادل یک روز زندان محاسبه می‌شود.^[۴۶] در کشور آلبانی یک روز زندان معادل با هشت ساعت کار به نفع جامعه مقرر شده است. (ماده ۵۷ قانون جزا)^[۴۷] در جمهوری ارمنستان هر روز زندان معادل چهار ساعت کار به نفع عموم محاسبه می‌شود.^[۴۸]

علیرغم وجود اختلاف معیار در کشورهای مختلف، ولی میزان ساعات کار به‌طور متوسط در اکثر سیستم‌های کیفری، بین کمترین ۴۰ و بیشترین ۲۴۰ ساعت مقرر شده است. روسیه: ۶۰ تا ۲۴۰ ساعت - بند ۲ ماده ۴۹ قانون جزای فدراتیو روسیه^[۴۹] فرانسه: ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت. ماده ۸-۱۳۱-۱^[۵۰]. سوئد: ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت، بخش ۲-الف^[۵۱]. استرالیا (تاسمانیا) حداکثر ۲۴۰ ساعت - ماده ۱-۳۱-۱^[۵۲]. انتخاب حداکثر ۲۴۰ ساعت، معادل ارزش ۵ ساعت کار در نظر گرفته بگیریم؛ جمعاً در هفته ۱۰ ساعت کار خواهد شد. در چون در شش ماه ۲۴ هفته وجود دارد. بنابراین از حاصلضرب ده در بیست و چهار؛ عدد ۲۴۰ به دست خواهد آمد.

در برخی کشورها میزان ساعات کار، زاید بر سقف حداکثر (۲۴۰ ساعت) مقرر دشه است. مثلاً انگلستان ۴۰ تا ۳۰۰ ساعت ماده ۱۹۹^[۵۳]. جمهوری ارمنستان ۳۶۰ تا ۱۵۰۰ ساعت ماده ۵۴^[۵۴]. بنابر این امروز با توجه به رشد کاربرد این ضمانت اجرا، مقنن تلاش می‌کند تا از سقف مجازات شش ماه حبس به عنوان مبنای تعیین حداکثر کار، صرف‌نظر نماید در ایران براساس بند الف ماده ۱۷ لایحه مجازات‌های اجتماعی، میزان کار از ۴۰ تا ۴۸۰ ساعت متغیر است^[۵۵].





ب) نظارت و مراقبت

اجرای صحیح و مؤثر این ضمانت اجرا، مستلزم وجود مراقبت و نظارت است. این که شخص محکوم به درستی خدماتی که بر عهده دارد را انجام دهد از اهمیت فراوانی برخوردار است. کنترل، مراقبت و نظارت بر عملکرد محکوم علیه به وسیله اداره مراقبت و با هدایت قاضی اجرای مجازات‌ها؛ صورت می‌گیرد. مأموران مراقب گزارش نحوه انجام کار، کمیت و کیفیت خدمات را تهیه کرده و در پرونده اجرایی محکوم، بایگانی می‌کنند. گزارش عملکرد شامل حضور به موقع در محل کار، انجام وظایف محوله، عدم تعلل و تأخیر در ادای وظیفه، رعایت ضوابط حاکم بر کار و... می‌باشد. مسئولان و متصدیان محل انجام کار نیز در تهیه گزارش با مأموران اداره مراقبت همکاری دارند. تنظیم درست گزارش‌های مورد نظر نه تنها برای اطمینان از اجرای صحیح مجازات ضرورت دارد؛ بلکه از هرگونه سوءاستفاده احتمالی مدیران و نادیده گرفتن حقوق محکوم علیه جلوگیری می‌کند^[۵۶].

چنانچه برآورد مجموع گزارش‌های مأموران نشان دهد که محکوم علیه در مدت زمان مشخص شده؛ خدمات مورد نظر را به درستی انجام داده است؛ مجازاتش خاتمه می‌یابد. اگر مأموران مراقب؛ نقض شرایط کار و یا ارتکاب تخلفی از جانب محکوم علیه را گزارش دهند؛ دادگاه با توجه به نوع تخلف، ممکن است میزان ساعات کار و خدمت وی را اضافه نماید یا در صورت اقتضاء؛ مجازات متناسب دیگری را بر او تحمیل کند.

ج) محدودیت سنی

ضمانت اجرای کیفری، با فرض وجود مسئولیت اجرایی، اعمال می‌گردد. یکی از شرایط لازم برای تحقق مسئولیت کیفری؛ وجود سن قانونی است. از این رو پرواضح است که منظور از قید محدودیت سنی؛ بررسی سن مسئولیت کیفری نیست. بلکه روشن ساختن این موضوع است که در بین افراد داری سنی؛ بررسی سن مسئولیت کیفری نیست. بلکه روشن ساختن این موضوع است که در بین افراد دارای مسئولیت کیفری، چه کسانی و با چه ملاحظاتی سنی ممکن است از دامنه شمول، اعمال الزام به انجام کار خارج شوند.

شرایط و ضوابط ناظر بر روابط کار در قانون کار مقرر شده است. از جمله شرایط مهم در قانون مزبور؛ سن شروع به کار است. برابر ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران؛ به کار

گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است. انجام کار نوجوانان (کسانی که از ۱۵ تا ۱۸ سال دارند) دارای شرایط ویژه‌ای است. در مواد ۸۰ تا ۸۴ قانون کار مقنن، انجام کارهای سخت، زیان‌آور، خطرناک، کار شبانه و حمل بار با دست را برای این گروه سنی ممنوع است. به همین دلیل در تبصره ۲ ماده ۱۶ و ماده ۱۸ لایحه پیشنهادی، محکومیت نوجوانان به این مجازات منع شده است. به‌علاوه تأکید شده است تا تمامی شرایط الزامی موجود در حقوق کار به نحو کامل به اجرا گذاشته شود. بنابراین الزام اشخاص کمتر از ۱۵ سال به انجام خدمات عمومی مجاز نیست.

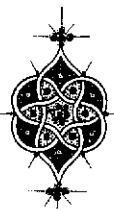
در هر کشوری با توجه به سن مسئولیت کیفری؛ محکومیت به انجام خدمات عمومی، می‌تواند با محدودیت خاصی روبرو شود. به‌عنوان مثال در ارمنستان بند ۴ ماده ۵۴ قانون جزا محدودیت سنی ۱۶ سال مقرر شده است. در این کشور زنان باردار، نظامیان و افرادی که در سنین بازنشستگی باشند؛ نمی‌توانند به کیفر خدمات عمومی محکوم شوند^[۱۵۷]

د) رضایت محکوم‌علیه

کار کردن از حقوق اجتماعی افراد جامعه است. در کلیه اسناد حقوق بشری اعم از داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی؛ به حق مزبور اشاره شده و از آن حمایت به عمل آمده‌ست. آزادی انتخاب شغل و کار، از لوازم این حق به شمار می‌رود. براساس بند چهارم از اصل ۴۳ قانون اساسی و بند ششم از اصل ۲۲؛ اجبار افراد به کار و بهره‌کشی از دیگری ممنوع می‌باشد. هر ایرانی حق دارد شغلی که بدان مایل است را برگزیند. شغلی که مغایر با احکام شرع و مصالح و منافع عمومی نباشد. ضمانت اجرای مقررات مزبور؛ جرم شناخته شدن کار اجباری در قوانین عادی است. ماده ۱۷۲ قانون کار، وادار کردن دیگری به کار یا کار اجباری را جرم تلقی کرده و مرتکب را مستوجب مجازات تا یک سال حبس و تا ۲۰۰ برابر حداقل مزد روزانه جزای نقدی دانسته است. چنانچه کار اجباری در قالب بردگی صورت پذیرد؛ عمل مرتکب برابر ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳؛ تا ده سال زندان مجازات خواهد داشت^[۱۵۸].

با توجه به منع کار اجباری، محکومیت به کیفر انجام خدمات عمومی مستلزم کسب رضایت بزه‌کار است. به‌نظر می‌رسد علی‌رغم قید رضایت بزه‌کار در متن قانون برای اعمال این ضمانت اجرا؛ ضرورتی به قید آن نباشد. محترم شمردن ضوابط بین‌المللی نیز منافاتی با الزام اشخاص به انجام خدمات عمومی در پی صدور احکام قضایی ندارد. آنچه در اسناد مزبور مورد تأکید قرار





گرفته است، عدم تجویز کار اجباری است. اما در کنوانسیون‌های مورد بحث به صراحت محکومیت قضایی به انجام کار پذیرفته شده است. به‌عنوان نمونه ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛ «اعمال شاقه یا کار اجباری» مذکور در این بند شامل امور زیر نیست: اول - هرگونه کار یا خدمت ذکر نشده در شق «ب» که متعارفاً به کسی که به موجب یک تصمیم قضایی قانونی زندانی است یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط باشد تکلیف می‌گردد.^[۵۹] آنچه در ماده ۱ مقاله‌نامه بین‌المللی منع کار اجباری ذکر شده است؛ مبادرت به استفاده از هرگونه کار اجباری چه به صورت تحمیل یا آموزش عقاید سیاسی - مجازات و تنبیه به علت داشتن یا ابراز عقاید سیاسی یا عقایدی که از نظر ایدئولوژیک مخالف سیستم موجود سیاسی اجتماعی و اقتصادی باشد و دیگر به عنوان تنبیه و مجازات به علت شرکت در اعتصابات می‌باشد. با توجه به مستندات پیشگفته؛ منع کار اجباری از نظر اسناد بین‌المللی (جز در موارد استثنایی) فارغ از بحث مجازات‌هاست. به همین دلیل مصلحت اقتضاء دارد که تصمیم مقامات قضایی که بر مبنای قانون لازم‌الاجرا صادر شده باشد؛ مشروط به رضایت یا عدم رضایت محکوم علیه نباشد. چنانچه سلب امتیازی وصف مجازات داشته باشد؛ چون به موجب قانون ایجاد شده است فقط تابع اراده و خواست قانونگذار خواهد بود. تصمیمی که مقنن براساس حفظ مصالح و منافع عمومی اتخاذ کرده است؛ نمی‌تواند موکول به اراده و خواست بزهکار شود. این موضوع اختصاص به مجازات الزام به انجام خدمات عمومی ندارد. به همین دلیل که هیچکس از زندان به‌عنوان سلب آزادی و توقیف غیرقانونی یاد نمی‌کند یا مصادره اموال و جزای نقدی از مصادیق نقض حقوق مالی اشخاص به حساب نمی‌آید؛ بنابراین دلیلی وجود ندارد که از الزام به خدمات عمومی؛ به کار اجباری تعبیر شود؛ تا مستلزم رضایت بزهکار باشد.

هـ) عدم دریافت مزد

از حقوق فرعی ناشی از حق کار؛ دریافت مزد است. تعیین و پرداخت حق‌الزحمه کارگر، که در قانون کار کشورمان (ماده ۳۴) از آن با عنوان حق‌السعی نام برده شده است؛ از جمله مؤلفه‌های اساسی قرارداد کار به حساب می‌آید. در قرارداد کار علاوه بر درج مشخصات کارگر و کارفرما (نوع کار، وظایف کارگر، ساعت، محل و مدت) باید مزد و اجرت کارگر در آن معین شده



باشد. اهمیت پرداخت حقوق و دستمزد کارگر به نحوی است که در مورد تعلیق قرارداد کار، کارفرما وظیفه دارد تا زمان تعیین تکلیف کارگر در مراجع قضایی یا شبه قضایی؛ به موجب تبصره ماده ۱۸ قانون؛ حقوق مندرج در قرارداد به طور علی الحساب به کارگر پرداخت نماید.

با توجه به نقش و اهمیت مزد در روابط ناشی از کار؛ سؤال آن است که در محکومیت بزهدکار به انجام خدمات عمومی، عدم پرداخت مزد چگونه قابل تحلیل است؟ پاسخ آن است که وقتی انجام کار از قلمرو حقوق کار و تأمین اجتماعی خارج و به حوزه حقوق کیفری وارد می شود؛ به عنوان مجازات و ضمانت اجرای کیفری محسوب می گردد. بنابراین در این قلمرو جدید تابع احکام جدید خواهد بود. از آنجا که بخشی از خصیصه مجازات؛ تحمیل سختی و مشقت هدفدار و معقول بر محکوم علیه است؛ بنابراین برای ایجاد آن لازم است تا انجام کار بدون دریافت مزد؛ صورت گیرد. در فرض دریافت مزد؛ بزهدکار به جای اینکه مجازات شود، پاداش خواهد دید.

شرط عدم دریافت مزد در قوانین جزایی بسیاری از کشورها به صراحت قید شده است. در برخی از مقررات از انجام خدمات عمومی با عنوان کار بی اجر و مزد نامه برده شده است. (Unpaid work)^[۶۰]

نتیجه گیری

تجدیدنظر در نظام ضمانت اجرای کیفری، با هدف مبارزه با جرم و کنترل مجرمین، ضرورتی است که حتمی به نظر می رسد. در ساختار جدید مجازات ها گر چه مجازات سالب آزادی حذف نمی شود ولی تلاش می گردد تا از نقش محوری آن کاسته شود. بدین سبب؛ اصلاح و پالایش قوانین کیفری به منظور استفاده کمتر از کیفر حبس و شکل گیری جایگزین های آن، اجتناب ناپذیر است. در این راهبرد انجام خدمات عمومل یا کار بی مزد به نفع جامعه، جایگاه ویژه ای دارد. در سطح جامعه جهانی از دهه هفتم قرن بیستم، به طور کاملاً محسوس و از اوایل دهه نهم؛ به کارگیری این ضمانت اجرا رشد سریعی داشته است. سرعت گسترش این ضمانت اجرا در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی به مراتب بیشتر بوده است. در کشور ما نیز گرچه الزامات تقنینی در قالب سیاست های کلی قضایی و برنامه های جامع توسعه قضایی اعلام شده است ولی عملاً هیچیک از سیاست های مزبور اجرایی نشده است. تنها موضوع قابل توجه؛ تهیه و تنظیم لایحه مجازات های اجتماعی است که صرفاً کلیات آن در قوه مقننه به تصویب رسیده است. یکی از



مجازات‌های پیشنهادی در لایحه مزبور الزام به انجام خدمات عمومی است.

کار کردن به جای زندان رفتن، نه تنها آثار اجتناب‌ناپذیر و نامناسب زندان را ندارد؛ هزینه اجرایی آن بار سنگینی بر بودجه عمومی تحمیل نمی‌کند؛ بلکه جامعه از نتایج و ثمرات کار و خدمت بزهکاران بهره‌مند خواهد شد. روابط عاطفی، خانوادگی، شغلی و اجتماعی بزهکار مختل نمی‌شود. کار در کنار افراد مطیع قانون اثر سازنده در رفتار بزهکاران خواهد داشت. با حفظ کرامت و ارزش انسان، احساس تنفر به حس نوع‌دوستی، یاری‌رسان و مفید بودن تبدیل می‌شود. بزهکار از عامل زیان‌بخش به عامل سودبخش تغییر نقش پیدا می‌کند. تقویت حس مسئولیت‌پذیری محکوم‌علیه در قبال قربانی جرم و جامعه؛ از اهداف راهبردی مورد انتظار این مجازات است. سلب فرست ارتکاب جرم، با هزینه اندک هدف ثانویه پیش‌بینی شده در این ضمانت اجراست.

منابع

1. Robert Adams , The abuses of punishment , first ed, London, Macmillan press ltd, 1998, P118.
۲. سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۶۸.
۳. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۵۸.
4. _____ Crime Prevention , 2 ed, New York, United Nations press, 1996, P 68.
۵. کریستن لازرو، سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۵، ص ۹۴.
6. Malcolm Davis , Punishing criminals , first ed , New York , greenwood, 1993, p 7
7. George P Fletche , Basic concept of criminal law, oxford university press, 1998 , p 30.
۸. برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۷۷، ص ۴۲.
9. Martinson, r, Question and Answer about prison reform, criminal law and criminology, vol 31, 1984, p86.
10. Paul r Robinson & john darley. The utility of deserts, north western university, law review, vol91,1998, p457.
11. Coyle Andrew, Are our prison value for money? Consumer poliey, vol 4, 1994 , p 204.
۱۲. جان کاتینگهام، فلسفه حق، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۴، ص ۸۶.
۱۳. در دهه هفتاد میلادی اعتبار تئوری اصلاح و درمان روبه افول گذاشت و حامیان خود را به تدریج از دست داد. آخرین میخ تابوت نظریه اصلاح و درمان زمانی زمانی زده شد که تحقیقات انجام شده نشان داد این

نظریه تا چه حد موجب تبعیض در اعمال مجازات (عدم رعایت تساوی مجازات‌ها) می‌شود.

- C. m. Clarkson, understanding criminal law, 2 ed. London, Fontana, 1986 , p 181
14. B J S . prison & prisoners in the united states , Washington D.C . Bureau statistics , 2002, p 12
۱۵. لیندا یوهانسون، زنجیرهای نامرئی، پیام یونسکو، شماره ۱۳، ۱۳۷۸، ص ۱۳.
16. Lord Philips, Alternatives to custody, center of criminology, oxford university, 2006, p 7.
17. Winnipeg. Manitoba, Justice in crisis. Canada criminal justice, Mennonite contra committee, Canada 1997, p 60.
18. moskovsk komsomlets, Penal reform project in eastern Europe and central Asia, news letter, no 3, 1998, p 15
19. Lord Philips, op. cit. p 5
۲۰. دکتر حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷، ص ۹۵-۱۰۰.
21. Larry j sicyle. Criminology, six ed. New York. weds worth publishing company, 1998 p 544.
22. James e Robertson , Cruel and unusual punishment in the united states , American law review, vol 36,1999, p 17
23. Monika platek , we never promise them a rose garden, prison 2000 . London, 1996 , p 70
۲۴. دکتر محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چاپ اول، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲، ص ۴۰.
25. <http://www.mchrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=494783>
۲۶. دکتر عادل ساریخانی، حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹.
27. Todd r clear & Harry r dammer The offender in the community, first ed, new York wads worth publication, 2000 'p 140.
28. IB.ID, P 141.
29. Albino eser & Susanne waiter, Preparation in criminal law. max-pianck institute, freiburg 1997. p24.
30. H M I P (home office inspectorate of probation, working to amends, unpaid work by the national probation service, London, 2006, p 10.
31. Georg mair. noel cross, The use and impact of the community order, center for crime and justice studies, 2007, P 9.
32. _____, institute for crime prevention and control, Alternatives to custodial sentences Helsinki, 1988 p 49.
34. Adelmo Manna Enrico Infante, Criminal justice systems in europe and north america, Helsinki Finland 2000, p 29.
35. Lars. bolangsted, vagn grevend, Criminal law in denmark, Hague, kluwer law international, 1998, p 104.
36. Alhino eser & Susanne walter, op.cit, p 25.
37. <http://icpo-vad.tripod.com/crimen.html>
۳۸. تعداد کل زندانیان در اسفند ۱۳۸۵ در سراسر کشور ۱۵۰۳۲۱ زندانیان مرد ۹۸ درصد و زندانیان زن ۲ درصد <http://www.prisons.ir/farsi/reports.php>
۳۹. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران شماره ۱/۸۲/۵۷۳۹ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۴.
۴۰. گزارش شماره ۸۲/۱۲۲ مورخ ۸۴/۱/۲۵ مرکز مطالعات توسعه قضایی نهاد قوه قضاییه.
41. <http://meilat.majlis.ir/archive/1385/02/24/mozakerat.htm#3>
۴۲. گزارش شماره ۴۰۳۹۲ نهاد ریاست جمهوری مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۵ به دستگاه‌های اجرایی.
۴۳. روزنامه رسمی شماره ۱/۲۸۲۲ ح ۱۳۸۴/۱/۱۷ برنامه جامع و عملیاتی پنج ساله دوم توسعه قضایی (۱۳۸۷-۱۳۸۳).
۴۴. رضا موسی‌زاده، مبانی حقوق اداری، چاپ اول، تهران؛ انتشارات شهرآب؛ ۱۳۷۴؛ ص ۲۷.
۴۵. زین‌العابدین شیدفر، حقوق عمومی و اداری؛ جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۷۱.
46. dir vanzyd smit . Basic principles and promising practices on alternatives to imprisonment, New York, un publications, 2007, p 35.
47. <http://www.pbosnia.kentlaw.edu/rolt>





48. dir vanzyd smith, op.cit, p 42.
49. Article 49. According to the Federal Law No. 64-FZ of June 13, 1996 1. Compulsory work consists in the performance of free socially useful works by the convicted person during his spare time. The type of compulsory works and the objects where they are to be served shall be determinable by local self-government bodies by approbation of criminal execution inspectorates.
2. Compulsory works shall be fixed for a period of 60 to 240 hours, and shall be served during not more than four hours a day.
50. Article 13 1-8 Where a misdemeanour is punishable by a sentence of imprisonment, the court may order the convicted person to perform, for a period of forty to two hundred and forty hours, unpaid community service work in the interest of a public law body or of an association accredited to set up community service work. <http://www.legifrance.gouv.fr/htmlindex/htm>.
51. Section 2 a If the accused consents, be combined with a condition of community service. Such a condition shall prescribe an obligation to carry out unpaid work for at least forty hours and at most two hundred and forty hours. When the court decides on a condition of community service it shall state in its judgement what length of imprisonment would have been imposed if imprisonment has been chosen as the sanction. Where there is reason to do so, a condition of community service may be modified or ended at the request of a prosecutor. (Law 1998:604) <http://icpo-vad.tripod.com/crimen.html>
52. 31. Limitation on number of hours of community service 1- The maximum number of hours that a court may order community service to be performed under a community service order imposed in respect of one offence is 240. <http://www.TheLaw.tas.gov.austlii.org/>
53. 199 Unpaid work (1) in this Part 'unpaid work requirement', in relation to a relevant order, means a requirement that the offender must perform unpaid work in accordance with section 200.
- (2) The number of hours which a person may be required to work under an unpaid work requirement must be specified in the relevant order and must be in the aggregate -
- (a) not less than 40, and (b) not more than 300. <http://opsi.gov.uk/lacts/acts2003>
54. Article 54. Public works
1. Public work is the execution of free socially useful, authorized work by the convict at the expense of his leisure time after basic work or classes, as determined by local self-government bodies.
2. The duration of assigned public works shall amount to 360-1500 hours.
3. Public work is assigned as an alternative punishment to imprisonment, in case of written consent of the person to be convicted, which is submitted before the court decision is made, following the time periods set forth in this Code. <http://icpo-vad.tripod.com/crimen.html>.
55. معاونت توسعه قضایه، لایحه مجازات‌های اجتماعی، مجله قضاوت، شماره ۳۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، ص ۳۴.
56. _____, United nations office on drugs and crime , alternatives to imprisonment, Vienna, 2007, p35.
57. Public work is not assigned to first or second degree disabled, persons under 16 at the time of sentencing, pension-age persons, pregnant women and drafted servicemen <http://icpo-vad.tripod.com/crimen.html>
58. براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (I.L.O) در حال حاضر نزدیک به ۱۲/۳ میلیون نفر در سراسر جهان درگیر کار اجباری هستند. قربانیان اکثراً در پوشش قاچاق زنان و کودکان و ادای دین مالی به کار گرفته می‌شوند. <http://www.ilo.org.dny.basi/>
59. هوشنگ ناصرزاده، اعلامیه‌های حقوق بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات ماجد، ص ۲۷.
60. Criminal Justice System Act 2003 article 199. <http://opsi.gov.uk/lacts/acts2003>



پروفیسر شمیم شاہد کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی